



A Reflection on Theoretical Approaches to Protecting Environmental law in the Intellectual Property System

Ali Mashhadi ¹, Hadi Taa'le Khorsand²

1. Associate Professor of Public Law Department, University of Qom, Iran (Corresponding Author), Email: droitenviro@gmail.com

2. Phd Student of Public International Law, Islamic Azad University, Qom, Iran, Email: ha.korsandy@gmail.com

Abstract

Received:
23/11/2025
Revised:
26/01/2026
Accepted:
24/02/2026
**Published
online:**
07/04/2026

Protection of the environment is one of the issues that has attracted a lot of attention at the international level. Due to the vastness of the subjects that relate to the concept of environment, its protection certainly requires the use of various tools. One of these tools is based on "intellectual property law". Intellectual property law can make it possible to support innovative solutions for environmental protection. Analyzing this relationship, two major theories are proposed, one of which implies the neutrality of the intellectual property system towards environmental protection and the other, on the contrary, believes in the effectiveness of the environmental field from intellectual property law. The present article, aims to analyze the relationship between intellectual property law and environment protection in a descriptive analytical manner. The basic question is: Which approach is theoretically acceptable in the relationship between environmental rights and intellectual property? The basic assumption of this article in answering the main question is that there is a synergistic and positive relationship between the field of environmental protection and intellectual property rights.

Keywords: Environment, Intellectual property law, Neutrality Theory, Positivist Approach, Critical Approach. Environmental law.

How To Cite: Mashhadi, A & Taa'le Khorsand, H (2026). A Reflection on Theoretical Approaches to Protecting Environmental law in the Intellectual Property System, *Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries*, 2(1), 84-98. <http://www.doi.org/10.22091/diplc.2026.14529.1034>.

Published by: University of Qom © The Author(s) Article type: Research





تأملی بر رهیافت‌های نظری بر حمایت از حقوق محیط‌زیست در نظام مالکیت فکری

علی مشهدی^۱؛ هادی طالع خرسند^۲

۱. دانشیار حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: droitenviro@gmail.com
 ۲. دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ایران. رایانامه: ha.korsandy@gmail.com

چکیده

حفاظت از محیط‌زیست، از مسائلی است که توجه زیادی را در سطح بین‌المللی به خود جلب نموده است. به جهت گستردگی حوزه محیط‌زیست، به یقین حفظ آن هم مستلزم به‌کارگیری ابزارهای گوناگون است. یکی از این ابزارها بر پایه «حقوق مالکیت فکری» است. چراکه به کمک آن می‌توان به حمایت از راهکارهای ابداعی حفظ محیط‌زیست پرداخت. در تحلیل این ارتباط، دو نظریه عمده مطرح است که یکی بر بی‌طرفی نظام مالکیت فکری نسبت به حفاظت از محیط‌زیست دلالت دارد و دیگری برعکس، معتقد به اثرپذیری حوزه محیط‌زیست از حقوق مالکیت فکری است. در نوشتار حاضر، می‌کوشیم تا به شیوه توصیفی تحلیلی، ارتباط میان حقوق مالکیت فکری و حفظ محیط‌زیست را مورد تحلیل قرار دهیم. سؤال اساسی این است که از لحاظ نظری کدام رهیافت در مناسبات میان حقوق محیط‌زیست و مالکیت فکری قابل پذیرش است. فرض اساسی این مقاله در پاسخ پرسش اصلی این است که ارتباط هم‌افزا و مثبتی میان حوزه حفاظت از محیط‌زیست و حقوق مالکیت فکری است. **کلیدواژه‌ها:** محیط‌زیست، حقوق مالکیت فکری، نظریه بی‌طرفی، رهیافت پوزیتویستی، رهیافت انتقادی، حقوق محیط‌زیست.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۴/۲۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۵/۳۰

تاریخ انتشار

برخط:

۱۴۰۴/۰۶/۳۱

استناد: مشهدی، علی و طالع خرسند، هادی (۱۴۰۵). تأملی بر رهیافت‌های نظری بر حمایت از حقوق محیط‌زیست در نظام مالکیت فکری، آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی، ۹۸-۸۴، (۱)۲. <http://www.doi.org/10.22091/diplc.2026.14529.1034>



نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان

مقدمه

به واسطه صنعتی شدن جوامع و تغییر شکل آن از حالت سنتی به نیمه‌مدرن و مدرن، میزان بهره‌برداری از محیط‌زیست به گونه‌ای روزافزون در حال گسترش است. با وجود آنکه ایجاد بسیاری از منابع زیست‌محیطی حاصل گذشت سالیان متمادی بوده که به‌عنوان امانتی توسط پیشینیان در اختیار ما گذاشته شده است و ما باید این امانت را به نسل بعدی خود انتقال دهیم، با بهره‌برداری بیش‌ازحد، اقدام به تخریب و از بین بردن آن می‌نماییم. منابعی که اگر امکان تجدید آن‌ها باشد، نیاز به گذشت قرن‌ها زمان خواهد بود.

در نگاه نخست به نظر می‌رسد هیچ‌گونه ارتباطی میان حقوق مالکیت فکری و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست وجود ندارد و به نظر می‌رسد این دو حوزه به‌ویژه در سطح بین‌المللی، دو حوزه مطالعاتی مجزا هستند، ولی با اندکی ژرف‌اندیشی درمی‌یابیم که ارتباطی ناگسسته، میان این دو حوزه از علم حقوق نهفته است (Grinlinton, 2023: 202). در سطح نظری، حقوق محیط‌زیست بر مبنای اصولی همچون توسعه پایدار، پیشگیری و عدالت بین نسلی شکل گرفته است، درحالی‌که حقوق مالکیت فکری بر حمایت از نوآوری، خلاقیت و منافع اقتصادی صاحبان حقوق تأکید دارد. این دو حوزه در نگاه نخست دارای کارکردهای متفاوتی به نظر می‌رسند، اما در عمل، در موضوعاتی نظیر فناوری‌های سبز، دانش سنتی، منابع ژنتیکی و انتقال فناوری، به شدت در هم تنیده‌اند. اهمیت این تقاطع به‌ویژه در سطح جهانی با تشدید بحران‌های زیست‌محیطی و نقش فناوری در مقابله با آن‌ها افزایش یافته است، به گونه‌ای که نظام‌های حقوقی ناگزیر به ایجاد تعادل میان «حمایت از نوآوری» و «حفظ منافع عمومی زیست‌محیطی» شده‌اند (Dutfield, 2003: 56).

با گسترش زندگی شهری که به تبع آن، استفاده بیشتر از تکنولوژی را طلب می‌نماید، آیا بحرانی به نام در معرض خطر قرار گرفتن «محیط‌زیست» و یا در نگاهی وسیع‌تر «محیط‌زیست جهانی» به وجود نمی‌آید؟ پرواضح است که در عصر حاضر و با بروز معضلات زیست‌محیطی، مباحثی از این دست که تکنولوژی‌های پاک یا دوستدار محیط‌زیست، بیشتر استفاده شوند، مورد توجه قرار می‌گیرد. حال در این استفاده، یک مسئله نمایان می‌شود، اینکه حقوق مالکیت فکری این تکنولوژی‌ها چه وضعیتی پیدا می‌نماید. برای مثال اینکه چگونه تکنولوژی سبز^۱ از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته انتقال یابند، همواره به‌عنوان یک مسئله مهم مطرح است.

شواهد آماری نیز بر اهمیت این موضوع تأکید دارند. بر اساس گزارش سازمان جهانی مالکیت فکری، ثبت اختراعات مرتبط با فناوری‌های زیست‌محیطی در دهه گذشته رشد قابل توجهی داشته و تنها در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، بیش از ۲۰۰ هزار پتنت در سطح جهانی به ثبت رسیده است (WIPO, 2021: 34). از سوی دیگر، گزارش برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد از راهکارهای مقابله با تغییرات اقلیمی وابسته به فناوری‌های تحت حمایت حقوق مالکیت فکری هستند (UNEP, 2020: 78). این آمارها بیانگر آن است که بدون تنظیم صحیح رابطه میان این دو حوزه، دستیابی به اهداف زیست‌محیطی با چالش جدی مواجه خواهد شد. در حوزه مطالعاتی نیز، پژوهشگران متعددی به بررسی ابعاد مختلف این رابطه پرداخته‌اند. برای مثال، داتفیلد به تحلیل نقش حقوق مالکیت فکری در بهره‌برداری از منابع ژنتیکی پرداخته و نشان داده بود که نظام پتنت می‌تواند منجر به نابرابری در دسترسی به منابع زیستی شود (Dutfield, 2003). همچنین، هلفر به بررسی تعارض میان موافقتنامه تریپس و معاهدات زیست‌محیطی پرداخته و بر ضرورت تفسیر هماهنگ این اسناد تأکید کرده است (Helfer, 2004: 130). در ادبیات داخلی نیز، برخی پژوهش‌ها به صورت پراکنده به موضوعاتی مانند دانش سنتی یا انتقال فناوری و نیز مناسبات میان حقوق محیط‌زیست و مالکیت فکری پرداخته‌اند (مشهدی و محشمی، ۱۳۹۴)، اما اغلب این مطالعات یا رویکردی صرفاً توصیفی داشته‌اند یا یکی از دو حوزه را بر دیگری ترجیح داده‌اند یا فاقد رویکرد نظری بوده‌اند.

به نظر می‌رسد، حقوق مالکیت فکری نمی‌تواند نسبت به ملاحظات زیست‌محیطی بی‌طرف باشد، همچنین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست باید حقوق مالکیت فکری را به صورت منصفانه و عادلانه پذیرفت. همچنین ابعاد زیست‌محیطی حقوق مالکیت فکری، نمایانگر آن است که این دو حوزه از حقوق در نظام‌های حقوقی معاصر با هم در تعامل می‌باشند. برای نمونه در مورد نقش حقوق مالکیت فکری در حل بحران محیط‌زیست معاصر بحث شده است (Izyumenko, 2024: 864). بنابراین در بحث مبانی از این همگرایی روزافزون، پیش از هر چیز باید منابع مشترک این دو حوزه را مورد شناسایی قرار داد. در تحلیل مبانی به بررسی چرایی و دلایل حفظ محیط‌زیست و احترام به حقوق مالکیت فکری و نسبت‌سنجی این مفاهیم پرداخته‌ایم. سؤال اساسی این است که حقوق مالکیت فکری باید نسبت به الزامات محیط‌زیست چگونه باشد؟ آیا معیار محیط‌زیست می‌تواند در میزان حمایت مؤثر باشد؟ آیا این نظام حقوقی اساساً نسبت به حفظ محیط‌زیست بی‌طرف است؟ این بحث‌ها در سند تریپس و اسناد زیست‌محیطی،

رهیافت‌های بعضاً متفاوتی را به دنبال داشته است که می‌توان از نظریه بی‌طرفی نظام حقوق مالکیت فکری و نظریه سیستمی حقوق مالکیت فکری، به‌عنوان دو الگوی متفاوت در این زمینه، صحبت نمود. در این نوشتار، به شیوه‌ای تحلیلی توصیفی، این دو رویکرد عمده را مورد ارزیابی دقیق قرار خواهیم داد.

۱. نظریه بی‌طرفی نظام حقوق مالکیت فکری

بر اساس این رویافت، حقوق مالکیت فکری نسبت به حفظ محیط‌زیست بی‌طرف است. در این نظریه، اساساً نظام حقوق مالکیت فکری به حمایت از کلیه آثار قابل حمایت می‌پردازد و به ملاحظات خارج از شرط قابل حمایت بودن اثر، از جمله الزامات زیست‌محیطی یا منافع عمومی ناشی از این الزامات در برابر منافع مخترع توجهی ندارد. مشابه چنین بحثی در حقوق مالکیت فکری، در حوزه اختراعات دارویی و لیسانس‌های اجباری و مشروعیت الزامات ناشی از آن‌ها، بحث شده است. از جمله اینکه نحوه انطباق و نگرش حقوقی مورد نیاز در قالب حق ثبت اختراع و نحوه برقراری توازن میان منافع مخترع با منافع عمومی چیست؟ (صادقی، ۱۳۸۸؛ پروین ۱۳۸۸: ۵۹-۱۳) سه توجیه یا استدلال اساسی برای دفاع از این رویکرد وجود دارد که شامل رویافت پوزیتیویستی، رویافت علم‌گرایانه و رویافت انتقادی می‌شود.

۱-۱. رویافت پوزیتیویستی

نخستین توجیه مبتنی بر تحلیل‌های پوزیتیویستی، از نظام حقوق مالکیت فکری استوار است. رویافت پوزیتیویستی حقوق مالکیت فکری را امری عینی در نظر می‌گیرد. در ادامه ضمن اشاره به این رویافت آن را نقد و بررسی خواهیم نمود.

الف. بیان نظریه:

رویافت پوزیتیویستی بر این مبنا استوار است که نظام حقوق مالکیت فکری امری عینی است و حاصل واقعیت‌های نظام حقوقی موجود است. این امر از پایان قرن نوزدهم در عرصه مطالعات حقوقی مطرح شد که در آن نظام حقوقی بر مبنای واقعیت‌ها و هست‌ها تشکیل می‌شود، برتری می‌یابد. بدین ترتیب، به جای بایدها و نبایدهای حقوق طبیعی و ارزش‌های آن، مسئله «هست‌ها و نیست‌ها» مطرح است که از آن با عنوان «پوزیتیویسم حقوقی» یا «تحقق‌گرایی حقوقی» یاد می‌شود» (توسلی و نائینی، ۱۳۹۰: ۵۷). بنابراین نگرش پوزیتیویستی به این معنا است که حقوق مالکیت فکری به ملاحظات غیرمرتبط نظیر اصول اخلاقی و زیست‌محیطی نباید توجه نماید. این امر به معنای محدود نمودن قلمرو این علم نیز است. این رویافت از

واقع‌گرایی حقوقی نشئت می‌گیرد و حقوق را امری وضعی و متغیر و امری عینی می‌داند. تعیین نظام حقوق مالکیت فکری باعث می‌شود که این حوزه نسبت به برخی اصول جاودان حقوقی یا مسائل اخلاقی مرتبط نظیر اخلاق زیست‌محیطی و سایر هنجارهای غالباً با ملاحظات اخلاقی بی‌توجه باشد.

۲. ب. نقد نظریه:

رهیافت پوزیتیویستی بر این امر توافق دارد که قواعد حقوقی باید متکی بر حقایق ملموس و تجربی باشند و نه حقایق معقول. از این دیدگاه مبنای حقوق، واقعیت‌های خارج از عقل محض است و پدیده‌های حقوقی را باید تابع واقعیت‌های ملموس دانست که با عقل تجربی قابل شناسایی است (مشهدی و محتشمی، ۱۳۹۴: ۴۸۸). البته باید توجه نمود که مرتبط دانستن حقوق با واقعیت‌های صرفاً تجربی و متغیر اگرچه ممکن است کارآمدی حقوق را در حل مشکلات افزایش دهد و ثمرات به ظاهر مفیدی را به دنبال داشته باشد، اما از طرف دیگر حقوق را با یک خلأ مبنایی و زیربنایی مواجه می‌کند. چنین تلقی از منظر محیط‌زیست‌گرایی عمیق^۱ مبتنی بر اندیشه‌های اومانستی و آنتروپوسنتریستی است و بیشتر محصول عصر بورژوازی و روشنگری و نیز تلقی بیکنی از فلسفه علم است.^۲

ج. توجیه نظریه:

در توجیه این نظریه کلاسیک استدلال‌های متعددی را می‌توان به کار برد. از جمله اینکه اولاً هدف اصلی نظام مالکیت فکری تشویق نوآوری است. به دیگر سخن نظام مالکیت فکری یک ابزار اقتصادی صرف است که با اعطای انحصار موقت، به دنبال تشویق حداکثری اختراع، خلاقیت و انتشار دانش است و وارد کردن ملاحظات اخلاقی و زیست‌محیطی، این هدف اصلی را مخدوش می‌کند. در ثانی، به نظر می‌رسد، مالکیت فکری مالکیت فکری ابزار مناسبی برای حل معضلات اخلاقی و زیست‌محیطی نیست. این وظیفه بر عهده قوانین و مقررات و ضمانت اجراهای دولتی (مانند قوانین حفاظت از محیط‌زیست، اخلاق زیستی

1. Deep ecologist

۲. از منظر اکولوژیست‌های عمیق یا تیره معضل محیط‌زیست و تباهی‌های ناشی از آن برآمده از معایب ناشی از مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود در جوامع انسانی و نحوه تعامل و نوع رویکرد آنان با طبیعت و محیط‌زیست نهفته است. این رویکرد تا حدودی به عنوان واکنشی در برابر کارکردهای ویرانگر جوامع غربی و تا حدودی به مثابه پاسخ به آگاهی‌های روزافزون زیست‌محیطی، شکل گرفت و توسعه یافت. گاندی معتقد بود که «مسائل محیط‌زیست، مسائلی اجتماعی هستند که ناشی از نادیده گرفتن ارزش‌های واقعی انسانی است» سبزه‌های تیره که اولاً در گروه‌های چپ و پست مدرن قرار می‌گیرند، معتقد به تغییرات عمیق در مناسبات اقتصادی و اجتماعی و نوع رویکرد انسان به محیط‌زیست و مواهب طبیعی هستند. در این اندیشه سرمایه‌داری به گونه‌ای فعالیت می‌کند که برای رسیدن به سود حداکثر و انباشت سرمایه، همه چیز را نابود می‌کند. در این فرایند، کاپیتالیسم با سوسیالیسم نیز هم‌داستان شده و کاپیتالیست‌ها در رسیدن به حداکثر سود و سوسیالیست‌ها نیز در رقابت با قطب مخالف به محیط‌زیست آسیب زدند. در این خصوص ر.ک: (فاستر، ۱۳۸۱ و فهیمی و مشهدی ۱۳۸۸)

و قوانین کیفی) است. مشکل دیگر عدم توانایی در ارزیابی‌های اخلاقی و زیست‌محیطی و نسبی بودن برخی مفاهیم است. ادارات ثبت اختراع و علامت تجاری، تخصص و صلاحیت لازم برای ارزیابی پیامدهای اخلاقی و زیست‌محیطی یک اختراع یا کالا را ندارند. وظیفه آن‌ها بررسی معیارهای فنی مانند جدیت، گام ابتکاری و کاربرد صنعتی است و نظایر آن است. نهایتاً اینکه خطر سوءاستفاده محتمل است. یعنی اعمال فیلترهای اخلاقی و زیست‌محیطی می‌تواند به ابزاری برای سانسور، محدود کردن رقابت و تبعیض علیه فناوری‌های خاص تبدیل شود.

۲-۱. رهیافت علم‌گرایانه (سیانتیسم)

دومین توجیه مبتنی بر رهیافت‌های علم‌گرایی (سیانتیسم) است که در ادامه به بیان و نقد این نظریه خواهیم پرداخت.

الف. بیان نظریه:

رهیافت علم‌گرایانه به این معنا است که حقوق مالکیت فکری اساساً تضمین‌گر توسعه حقوق مالکانه و دستاوردهای علمی بشر است و نباید به ملاحظات زیست‌محیطی در این فرایند به‌عنوان امری که مانع توسعه این حوزه می‌تواند باشد، توجه نماید. توجه به الزامات زیست‌محیطی در محتوای قواعد مالکیت فکری چیزی جز ایجاد مانع در توسعه دستاوردهای علمی بشری و نفی تلاش‌های عملی و کاستن انگیزه‌های پیشرفت علمی و ابداعات نیست؛ هرچند که این تکنیک‌ها منجر به استعمار و نابودی طبیعت گردند (مشهدی، ۱۳۹۲: ۱۹۶). برای مثال از نظر این رویکرد آثار، طرح‌ها و نوآوری‌های ضد محیط‌زیست، مانند وسایل نوین صید و شکار، پاک‌تراشی جنگل‌ها، دستکاری ژنتیکی، تکنولوژی‌ها و آثار آلاینده و نظایر آن نیز قابل حمایت هستند. بنابراین نباید ملاحظات زیست‌محیطی منجر به نادیده گرفتن یا مانعی برای توسعه علمی و گسترش اختراعات و ابتکارات جدید باشد.

ب. نقد نظریه:

این رهیافت امروزه از دیدگاه حقوق محیط‌زیست مورد انتقاد قرار گرفته و در بعضی مواقع در چالش با توسعه و نیز حقوق‌های حاکم بر تحقیقات علمی است. پرواضح است که چنین نگاهی می‌تواند تخریب شدید محیط‌زیست را به همراه داشته باشد. امروزه یکی از دلایل اصلی بحران محیط‌زیست را توسعه علمی شتاب‌آلود دانسته‌اند. در حقیقت از زمینه‌های بروز بحران محیط‌زیست و سپس شکل‌گیری حقوق زیست‌محیطی به کارگیری تکنولوژی‌های مدرن برای تسلط بر طبیعت است. علم‌گرایی (سیانتیسم) افراطی

در قرن بیستم، بر شدت سلطه انسان بر طبیعت و توانایی وی بر بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی نیز افزود و «تکنولوژی» در واقع حاصل این علم‌گرایی افراطی بود (مشهدی، ۱۳۹۲: ۶۱؛ مشهدی، ۱۴۰۰: ۱۲-۱). از دیدگاه یک اکولوژیست حق‌های زیست‌محیطی باید بر فرایند بی‌حد و حصر صنعتی شدن لگام زند تا علم، صنعت و تکنولوژی در کنار و در خدمت محیط‌زیست باشد.

علی‌رغم دستاوردهای بی‌شمار تکنولوژی برای جوامع انسانی، تکنولوژی در برخی از حوزه‌ها به ضد خود تبدیل می‌شود. در نظر رویکردهای منتقد تکنولوژی جدید «ما در واقع قربانی موفقیت‌های خود هستیم» (Dale, 2010: 13).^۱ گسترش صنایع متعدد باعث دخالت‌های روزافزون بشر در محیط‌زیست شده؛ منابع غنی زغال‌سنگ و نفت به سرعت تهی گردید و جنگل‌ها تخریب شدند. مصرف بی‌رویه منابع تجدیدناپذیر انرژی، قطع بی‌رویه پوشش گیاهی، انواع آلودگی‌های آب و خاک و هوا، گرمایش جهانی اقلیم، تخریب لایه ازن، آلودگی‌های صوتی و تصویری و آلودگی‌های ناشی از مواد رادیواکتیو که همه محصول گسترش غول‌آسای تکنولوژی مدرن‌اند، حیات کره زمین را در آستانه تهدید قرار دادند.

استدلال دیگر این است که پیشگیری بهتر از درمان است. این اصل در حقوق محیط‌زیست قاعده طلایی است. بنابراین اگرچه قوانین مستقیمی برای ممنوعیت فعالیت‌های مضر وجود دارد، ولی جلوگیری از اعطای حق انحصاری به چنین فعالیت‌هایی در مرحله اول، بسیار کارآمدتر و کم‌هزینه‌تر است. برای مثال این سؤال اساسی مطرح است که چرا باید به یک «روش برای افزایش آلودگی آب‌ها» امتیاز انحصاری داده شود؟ بنابراین از منظر رویکرد انتقادی هر نوع علمی نباید مورد حمایت قرار گیرد. موافقتنامه ترپس در ماده ۲۷ به کشورها اجازه می‌دهد تا در مواردی که «برای محافظت از نظم عمومی یا اخلاق»، «حیات یا سلامت انسان‌ها، حیوانات یا گیاهان» یا «برای اجتناب از آلودگی جدی محیط‌زیست» لازم است، از اعطای پتنت خودداری کنند.

۳-۱. رهیافت انتقادی

سومین توجیه در واقع به محتوای مسائل و ملاحظات زیست‌محیطی می‌پردازد و آن را امری نامتعین و با محتوای اختلافی و گاهی مبهم می‌داند.

الف. بیان نظریه:

1. We are victims of our success.

رہیافت انتقادی ناشی از عدم تعیین و تکوین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. به این معنا که تخریب محیط‌زیست خود مفهوم مبهم و کشداری است. لذا چگونه نظام حقوق مالکیت فکری می‌تواند به دستاوردهای این حوزه نامتعیین اعتماد نماید. نمونه این امر را می‌توان در اختلاف کشورهای جنوب و شمال در امضای کنوانسیون وین و پروتکل مونترال راجع به قطعیت علمی سوراخ شدن لایه ازن مشاهده نمود. به‌طورکلی کشورهای توسعه‌یافته نظیر ایالات متحده امریکا که بیشتر صاحب حق اختراع و سایر حقوق مالکیت فکری بوده و دارای وضعیت مطلوب هستند، بر این رویکرد پای می‌فشرند و خواهان بهره‌مندی بیشتر از حقوق خود فارغ از هرگونه ملاحظه بهداشتی، زیست‌محیطی یا تغذیه‌ای هستند. بنابراین به‌طور خلاصه: ۱. عدم تعیین و تکوین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست؛ ۲. ابهام در تخریب و قلمرو حمایت از محیط‌زیست باعث می‌شود که حقوق مالکیت فکری نسبت به این مسائل بی‌طرف باشد.

ب. نقد نظریه:

هرچند این دیدگاه تا حدودی در مورد محتوای قواعد حقوق محیط‌زیست صحیح به نظر می‌رسد، لیکن باید توجه نمود که این تنها بخشی از واقعیت است. این رویکرد در حقیقت مبتنی بر بدبینی به ملاحظات زیست‌محیطی است. امروزه مسئله محیط‌زیست و تخریب آن به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی و ملموس در جوامع بشری مطرح است و نمی‌توان صرفاً به این دلیل که محتوای قواعد آن مبهم است این واقعیت را در فرایند توسعه حقوق مالکیت فکری در نظر نگرفت.

۲. نظریه تفکر سیستمی در حقوق مالکیت فکری

بر اساس این نظریه، رعایت ملاحظات زیست‌محیطی «شرط» قابل حمایت بودن اثر است. بنابراین اثری که آلاینده بوده و ناقض حق‌های زیست‌محیطی باشد، اساساً قابلیت حمایت قانونی نخواهد داشت. این نگاه رویکرد محیط‌زیست‌گرایان^۱ است. در این نگاه بحث اصلی بر سر این نکته است که حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یک نظام حقوقی مستقل چگونه می‌تواند در فرایند حفاظت از محیط‌زیست نقش ایفا نماید (Gollin, 1991: 193). این دیدگاه مدرن و مسئولیت‌محور استدلال می‌کند که حقوق مالکیت فکری یک «امتیاز» است، نه یک «حق مطلق»: جامعه این انحصار را به مخترع یا پدیدآورنده اعطا می‌کند؛ بنابراین این امتیاز باید در راستای منافع عمومی و ارزش‌های والای جامعه باشد. یک اختراع مضر برای محیط‌زیست یا خلاف اخلاق، نمی‌تواند از حمایت جامعه بهره‌مند شود. علاوه بر این‌ها بسیاری از اسناد بین‌المللی بر لزوم

1. Environmentalist.

رعایت اخلاق و محیط‌زیست در مالکیت فکری تأکید دارند. برای مثال در کنوانسیون تغییرات اقلیمی ۱۹۹۲ بر شرایط منصفانه و عادلانه مالکیت فکری در انتقال تکنولوژی کاهنده کرین تأکید شده است. همچنین در کنوانسیون تنوع زیستی بر حفاظت از محیط‌زیست و تقسیم عادلانه منافع حاصل از استفاده از منابع ژنتیکی تأکید دارد. چهار توجیه بنیادین برای خنثی نبودن نظام حقوق مالکیت فکری می‌توان ارائه نمود. رهیافت حق بنیان، رهیافت غایت‌مدارانه، رهیافت کل‌گرا و رهیافت محیط‌زیست‌گرا از جمله این توجیحات هستند. بر اساس این توجیحات قواعد حقوق مالکیت فکری نمی‌توانند بدون توجه به ملاحظات انسانی و زیست‌محیطی مطرح شده و توسعه یابند.

۱-۲. رهیافت حق بنیان (حق بر محیط‌زیست)

بر اساس این رهیافت تضمین حق بر محیط‌زیست ضروری است. پیش‌طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، مقولات نسل سوم حقوق بشر را به چهار دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط‌زیست و حق بر میراث مشترک بشریت (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۲). در حال حاضر حق بر محیط‌زیست، توسعه‌یافته‌ترین موضوعی است که به‌عنوان حقوق همبستگی مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است (امیر ارجمند، ۱۳۷۴: ۱۹۴).

در متون و اسناد بین‌المللی تعریفی از حق بر محیط‌زیست ارائه شده است، اما مواد ۱۴ و ۱۵ پیش‌طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی در بیان حق بر محیط‌زیست می‌گوید: «هر انسان و کلیه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیط سالم و متعادل از نظر زیست‌محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند». محتوای حق بر محیط‌زیست عبارت‌اند از: حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی، حق بر آموزش مسائل زیست‌محیطی و حق دسترسی به مراجع اداری و قضایی از جمله مجازات و جبران خسارات زیست‌محیطی (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲: ۹). بنابراین تأمین و تضمین حق بر محیط‌زیست برای شهروندان زمینه‌ای را فراهم می‌نماید تا حقوق مالکیت فکری به سمت رعایت ملاحظات زیست‌محیطی حرکت نماید.

۲-۲. رهیافت غایت‌مدارانه (غایت‌مداری حقوق مالکیت فکری)

از این منظر حقوق مالکیت فکری به مانند سایر حوزه‌های مدرن حقوق، یک نظام فلسفه‌مند و غایت‌گرا باید باشد. به این معنا که این نظام نمی‌تواند به اهداف حقوق که تأمین عدالت و نظم است و محتوای اخلاقی قواعد بی‌طرف باشد.

در حال حاضر حوزه‌های حقوق امروزه به سمت توجه به ملاحظات زیست‌محیطی پیش رفته‌اند. به بیان دیگر، از نظر محیط‌زیست‌گرایان، قبل از کنفرانس استکهلم هم سایر حوزه‌های حقوق نیز نظیر حقوق تجارت، حقوق بشر و حقوق اساسی به این حوزه‌ها بی‌طرف بودند (مشهدی و محتشمی، ۱۳۹۴: ۱۹۵). اما بعد از شکل‌گیری کنفرانس استکهلم، آن محیط‌زیست‌دیگر نمی‌تواند نسبت به چنین رشته‌هایی بی‌تفاوت باشد. مفاهیمی چون عدالت، نظم و اخلاق غایت‌چنین رویه‌ای می‌باشند. نظام حقوق مالکیت فکری به حفاظت از تنوع زیستی در زمینه انتقال فناوری و دانش سنتی حفظ محیط‌زیست می‌پردازد. حفاظت از تنوع زیستی و محیط‌زیست که به‌عنوان مولد منابع غذایی انسان‌ها است، از اهمیت بسزایی برخوردار است که به دلیل همین اهمیت هم حقوق مالکیت فکری اسناد مهم بین‌المللی متعددی را در این زمینه دارا است.

۳-۲. رهیافت کل‌گرایانه

این رویکرد و توجه مبتنی بر تفکر کل‌گرایانه و جهانی شدن بحران‌های زیست‌محیطی است. امروزه بحران محیط‌زیست، بحرانی همه‌گیر و جهانی است (پناهنده، ۱۳۸۹: ۱۵). لذا حقوق بین‌الملل شاهد نضج و تحکیم قواعدی است که ناشی از ضرورت‌های توجه جامعه بین‌المللی و لزوم هماهنگی سایر حوزه‌های حقوقی از جمله حقوق بین‌الملل مالکیت فکری نشئت می‌گیرد. سیاست‌های زیست‌محیطی نیز تنها به دنبال حمایت از آن دسته از مالکیت‌های فکری هستند که دوستدار محیط‌زیست هستند.

این دکترین بر یک پیش‌فرض اساسی استوار است که آثار فکری نباید منجر به تخریب محیط‌زیست یا زمینه‌ساز آن باشند. کشورهای با تفکر سوسیالیستی که اساساً مخالف نظام حقوق مالکیت فکری بوده و کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته که به تعدیل این نظام در پرتو تعهدات غیرمتقابل زیست‌محیطی پای می‌فشرند، حامیان اصلی این رویکرد در حقوق مالکیت فکری هستند. نمونه مقررات عدم بی‌طرفی حقوق مالکیت فکری نسبت به محیط‌زیست را در حقوق ایران در بند «و» از ماده ۴ قانون ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، مصوب ۷ آبان ۱۳۸۶ می‌توان یافت. طبق این بند اختراعاتی که بهره‌برداری از آن‌ها خلاف موازین شرعی یا نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد از حیطه حمایت اختراع خارج است. ادعا

بر این است که اختراعات مضر به محیط‌زیست، اختراعاتی محسوب می‌شوند که بهره‌برداری از آن‌ها مخالف نظم عمومی است. در توجیه حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان موضوعی در حوزه نظم عمومی، «جاکوبز»^۱ به‌عنوان مدافع عمومی، نظر خودش را هنگام به چالش کشیدن رهنمود اروپایی زیست‌فناوری این گونه بیان داشته است که «حفاظت از محیط‌زیست باید به‌عنوان یکی از «منفعت‌های اساسی» جامعه در نظر گرفته شد...» (مشهدی و محتشمی، ۱۳۹۴: ۲۶).

۴-۲. رهیافت محیط‌زیست‌گرایی در حقوق مالکیت فکری

بعد از آغاز عصر اکولوژی ما شاهد «سبز شدن حقوق‌ها»^۲ بوده‌ایم. بنابراین با پدیداری حفظ محیط‌زیست به‌مثابه یک ضرورت، حوزه حقوق مالکیت فکری نمی‌تواند نسبت به الزامات حفظ محیط‌زیست بی‌طرف باشد.

نقش حقوق مالکیت فکری در انتقال فناوری‌های سبز یک مفهوم خاص و پیچیده است. فناوری به دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم می‌گردد (محتشمی، ۱۳۹۱: ۸۴). بخش سخت‌افزاری تکنولوژی از تجهیزات و ماشین‌آلات تشکیل شده و بخش نرم‌افزاری آن ناشی از تراوش‌های فکری انسان است و حمایت از این بخش را «حقوق مالکیت فکری» بر عهده دارد (نایب زاده، ۱۳۸۶: ۶۲). حقوق مالکیت فکری قادر است که یک وضعیت انحصاری را در جایی که توزیع دانش به علت دسترسی مشروط و قیمت‌های بالاتر تکنولوژی‌های موافق آب‌وهوا محدود شده است، به وجود آورد. این اطمینان که از حقوق مالکیت فکری حمایت می‌شود، دارندگان را تشویق می‌نماید تا تکنولوژی خود را به کشورهای دیگر انتقال دهند. اما فقدان حمایت مناسب از حقوق مالکیت فکری در کشورهای گیرنده تکنولوژی می‌تواند مانع انتقال آن گردد (محتشمی، ۱۳۹۱: ۸۴). محیط‌زیست‌گرایی در حقوق بعداً با ورود شعار توسعه پایدار و حقوق نسل‌های آینده توسعه پیدا می‌نماید.

برای مثال درزمینه اختراعات سبز^۳ بسیاری از دفاتر ثبت اختراع در جهان، سیستم‌های تسریع شده برای بررسی اختراعات دوستدار محیط‌زیست ایجاد کرده‌اند تا به حل بحران‌هایی مانند تغییرات اقلیمی کمک کنند. همچنین می‌توان به علائم تجاری جمعی که حمایت از علامت‌های جمعی و نشان‌دهنده تولید

1. Jacobs

2. Greening of Laws.

3. Green Patents/ Environmentally friendly inventions

محصولات مطابق با معیارهای زیست‌محیطی خاص هستند (مانند علامت‌های ارگانیک) ممنوعیت ثبت علائم تجاری مضر نیز در همین راستا قابل توجه است. برای مثال خودداری از ثبت علائم تجاری که ترویج کننده مصرف بی‌رویه منابع یا آلودگی محیط‌زیست و برخلاف توسعه پایدار زیست‌محیطی هستند (Soltmann et al, 2015: 457).

توسعه پایدار^۱ در سال‌های پایانی قرن بیستم به‌عنوان یکی از مناظرات محوری جهان تقریباً همه عرصه‌های حیات بشری نظیر فقر، نابرابری، آموزش و بهداشت، محیط‌زیست، حقوق زنان و کودکان، آزادی ملت‌ها و نیز صنعت و سیاست و اقتصاد، حقوق مالکیت فکری و همکاری‌های بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد و به‌عنوان گستره‌ای نوین با داعیه پاسخ به مسائل خطیری که چرخه حیات و طبیعت و نوع بشر را به مخاطره افکنده است، در عصر جدید مطرح شده است (Cullet, 2005). بر اساس تعریف کمیسیون برون‌ت لند (کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه) توسعه پایدار به معنای توانایی نسل حاضر برای تأمین نیازهایشان است بدون آنکه ظرفیت نسل آینده دیگر مردمان را در برآورد نیازهایشان به خطر اندازد (Pearce, 1998: 9-13 : Drexhage 2012 : 251-270). این مسئله بعداً در دکترین حقوقی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق محیط‌زیست مطرح گردید (مشهدی، ۱۳۹۱: ۹۲).

نتیجه‌گیری

حقوق محیط‌زیست و حقوق مالکیت فکری دو حوزه نوظهور در مطالعات حقوقی معاصر می‌باشند. با این حال اهداف هریک از این دو حوزه ممکن است در بسیاری از جهات، با یکدیگر در تعارض قرار گیرند. شناسایی بی‌قید و شرط حقوق مالکیت فکری از یک سو و لزوم حمایت و رعایت استانداردهای زیست‌محیطی از سوی دیگر از جمله این موارد است. البته این امر به معنای فقدان حوزه‌ها و سویه‌های مشترک میان این دو حوزه نیست. آنچه در این نوشتار به اختصار به آن اشاره گردید، طرح دو دکترین رقیب و بررسی آن در نظام حقوقی بین‌الملل معاصر در دوسویه تعامل و تعارض بود.

دکترین نخست که بر بی‌طرفی نظام حقوق مالکیت فکری تأکید داشت و بیشتر از سوی کشورهای شمال در جریان مذاکرات اسناد زیست‌محیطی بر آن تأکید شده بود و دکترین دوم که نظریه سیستمی حقوق مالکیت فکری بود و بر لزوم رعایت استانداردهای زیست‌محیطی در جریان شناسایی حق‌های مالکیت فکری تأکید داشت. این بررسی با آوردن شاهد مثال در زمینه تنوع زیستی (ماده ۱۶ کنوانسیون تنوع زیستی)، ایمنی

زیستی (ماده ۲۱ پروتکل کارتاهانا)، گونه‌های جدید گیاهی (کنوانسیون ۱۹۶۱-UPOV) و منابع ژنتیکی (ماده ۱۱ کنوانسیون ۲۰۰۱ رم)، نشان داد که امروزه حقوق مالکیت فکری نمی‌تواند نسبت به الزامات زیست‌محیطی بی‌طرف باشد.

به عبارت رساتر، نظیر استثنائات پزشکی و بهداشتی در زمینه حق اختراع، حقوق مالکیت فکری نیز در قید رعایت الزامات زیست‌محیطی و حمایت از این عرصه است. این حوزه‌ها مشخصاً شامل انتقال تکنولوژی‌های دوستدار محیط‌زیست، حمایت از دانش سنتی و بومی در حفظ محیط‌زیست و حمایت از آثار کمتر آلاینده می‌باشند. به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت به نظر می‌رسد که حقوق مالکیت فکری نمی‌تواند و نباید نسبت به اخلاق و محیط‌زیست بی‌طرف باشد. این نظام نه‌تنها یک ابزار اقتصادی، بلکه یک نهاد اجتماعی است که باید در خدمت توسعه پایدار و رفاه بشریت قرار گیرد. با این حال باید این حمایت‌ها وضعیت متعادل و منصفانه و معقولی داشته باشند. یعنی بین تشویق نوآوری و رعایت ارزش‌های اخلاقی و زیست‌محیطی، تعادل برقرار شود. به عبارت دیگر نظام مالکیت فکری هوشمند، نظامی است که از یک سو، با اعطای پتنت به فناوری‌های سبز، به مبارزه با بحران‌های جهانی می‌رود و از سوی دیگر، با جلوگیری از اعطای حمایت به نوآوری‌های مضر برای جامعه و کره زمین، مانع از تبدیل شدن به ابزاری برای ترویج بی‌مسئولیتی و تخریب محیط‌زیست می‌شود. بنابراین در اثبات سؤال اصلی و فرضیه مقاله باید گفت که حقوق مالکیت فکری باید به ملاحظات اخلاقی و زیست‌محیطی توجه نموده و پایبند باشد. این رویکرد نه‌تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای تضمین آینده‌ای پایدار برای همه ساکنان کره زمین است.

فهرست منابع

- افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۸۲). «حق بر محیط‌زیست: با تأکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست‌محیطی»، **نخستین همایش حقوق محیط‌زیست ایران**.
- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۷۴). «حفاظت از محیط‌زیست و همبستگی بین‌المللی»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۵.
- پروین، محمدرضا (۱۳۸۸). «ثبت اختراعات دارویی و بررسی چالش‌های حقوقی آن»، **فصلنامه حقوق پزشکی**، جلد ۳، شماره ۸.
- پناهنده، محمد (۱۳۸۹). «جهانی شدن و حفاظت محیط‌زیست»، **فصلنامه محیط‌زیست**، شماره ۳۹.
- توسلی نائینی، منوچهر، مهدی شهابی، مرضیه نیکویی (۱۳۹۰). «نقش واقعیت در ایجاد قاعده حقوقی»، **فصلنامه فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۳.
- جان بلامی فاستر (۱۳۸۱). **اکولوژی مارکس، ماتریالیسم و طبیعت**، ترجمه: اکبر معصوم بیگی، نشر دیگر، چاپ اول.
- صادقی، محسن (۱۳۸۰). «حمایت از اختراعات دارویی و چالش‌های حقوق بشری آن»، **فصلنامه حقوق دانشگاه تهران**، شماره ۳.
- فهمی، عزیزالله و علی مشهدی (۱۳۸۸). «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط‌زیست»، **مجله علمی پژوهشی فلسفی و کلامی دانشگاه قم**.
- فیروزی، مهدی (۱۳۸۴). «حق بر محیط‌زیست»، **انتشارات سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی**.
- محتشمی، میترا (۱۳۹۱). **رابطه میان حقوق مالکیت فکری و توسعه پایدار زیست‌محیطی با تأکید بر رویکرد اقتصاد سبز**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشگاه قم.
- مشهدی، علی (۱۳۹۱). **ترمینولوژی حقوق محیط‌زیست**، انتشارات خرسندی، چاپ دوم.
- مشهدی، علی (۱۳۹۲). **حق بر محیط‌زیست سالم**، انتشارات میزان، چاپ اول، شماره ۶۱.
- مشهدی، علی و میترا محتشمی (۱۳۹۴). «نسبت میان حقوق محیط‌زیست و حقوق مالکیت فکری»، **فصلنامه حقوق خصوصی**، دانشگاه تهران، شماره ۳.
- نایب زاده، شهناز (۱۳۸۶). «حقوق مالکیت فکری و انتقال فناوری»، **مجله تدبیر**، شماره ۱۸۰.

Reference

- Cullet, Philippe. Intellectual property protection and sustainable development. LexisNexis, Butterworths, 2005.
- Dale, Jamieson, Ethics and environment, Cambridge University Press, 2010, p 13.
- Drexhage, John, Deborah Murphy. "Sustainable development: from Brundtland to Rio 2012." United Nations Headquarters, New York (2010): 9-13.
- Gollin, Michael A. "Using intellectual property to improve environmental protection." Harv. JL & Tech. 4 1991.
- Pearce, David, and Giles Atkinson. "The concept of sustainable development: An evaluation of its usefulness ten years after Brundtland." *Revue Suisse d Economie Politique et de Statistique* 134 (1998): 251-270.